

سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال رژیم اسرائیل

احسان اعجازی^۱

چکیده

پس از اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، قدرت‌های بزرگ همواره سعی کرده‌اند تا مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی را از طریق ارائه راه‌حل‌های گوناگون حل و فصل کنند. این مناقشه همواره در چارچوب چندین معضل اصلی شامل مسأله امنیت، اختلاف سرزمینی و مرزی، مسأله آوارگان، شهرک‌سازی و وضعیت بیت‌المقدس مطرح می‌شود. با توجه به اینکه اروپایی‌ها در ایجاد این مناقشه نقش داشته‌اند این مقاله سعی دارد به این سوال بپردازد که اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال رژیم اسرائیل چیست؟ با توجه به اینکه اتحادیه اروپا یک دولت خوشه‌ای محسوب می‌شود می‌توان این گونه انتظار داشت که اتحادیه اروپا بتواند با اتخاذ سیاست خارجی منسجم و یکپارچه و در راستای حقوق بین‌الملل و همکاری با سازمان ملل متحد نقشی متفاوت‌تر از ایالات متحده در قبال رژیم اسرائیل ایفا کند.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، دولت خوشه‌ای، گروه‌های فلسطینی، رژیم صهیونیستی، حل و فصل مناقشه.

۱- کاندیدای دریافت دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان. رایانامه: ehsan.ejazi@gmail.com

مقدمه

از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و متعاقب آن اشغال بخشی از سرزمین‌های اعراب همواره تنش‌هایی بین اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته است که گاهی به صورت جنگ بروز کرده است و همین امر موجب شده است که امنیت کشورهای منطقه به خطر بیفتد. از سویی دیگر ایالات متحده آمریکا، که پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به قدرت مسلط جهانی تبدیل شد، منافع گسترده‌ای در خاورمیانه دارد و از ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی حامی سیاسی، اقتصادی و نظامی این رژیم بوده است. اما پیش از آمریکا، کشورهای اروپایی نقش غیر مستقیمی در ایجاد مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی داشته‌اند چرا که اروپایی‌ها به دلیل رفتار گذشته‌شان بهانه لازم را به صهیونیست‌ها برای اشغال سرزمین فلسطین داده‌اند. در طول تاریخ بسیاری از اروپایی‌ها گرایش‌های ضد یهودی شدیدی داشته‌اند و رفتار آنها نسبت به یهودیان، توجیه لازم را برای اشغالگری صهیونیست‌ها فراهم کرده است (Slater, 2015: 95). به همین دلیل هنوز هم برخی از کشورهای اروپایی نسبت به اعمال ددمنشانه رژیم صهیونیستی واکنش تندی از خود نشان نمی‌دهند و همین امر سبب شده است تا در پاره‌ای از موارد سیاست خارجی اتحادیه اروپا در برابر این رژیم انسجام لازم را نداشته باشد.

با این حال اتحادیه اروپا سعی کرده است که در سال‌های اخیر نقش یک بازیگر مستقل را در سیاست خارجی به طور کل و در مسأله فلسطین - رژیم صهیونیستی به طور خاص ایفا کند. در واقع اتحادیه اروپا در قالب کمیته چهار جانبه صلح (شامل سازمان ملل، اتحادیه اروپا، روسیه و آمریکا) سیاست خارجی خود را در قبال این مناقشه پی‌ریزی می‌کند. البته از گذشته تا به حال اتحادیه اروپا با کمک‌های مالی و انسان دوستانه خود به طرف فلسطینی سعی نموده است تا حدودی در روند سازش میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی نقشی مثبت ایفا کند.

به منظور یافتن پاسخ برای سوال اصلی، سیاست خارجی اتحادیه اروپا متغیر مستقل و مسأله فلسطین متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی معتبر نظیر سایت رسمی اتحادیه اروپا به پاسخ دست یافت.

با وجود اینکه آمریکا در مناقشه بین گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی بازیگر اصلی به شمار می‌رود اما اتحادیه اروپا می‌تواند به عنوان یک متغیر میانجی مواضع آمریکا نسبت به مردم فلسطین را تعدیل کند. از همین رو سوال اصلی این مقاله عبارت است از: اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال مسأله فلسطین چیست؟ در نهایت این فرضیه مطرح می‌شود که اتحادیه اروپا می‌تواند با اتخاذ سیاست خارجی منسجم و یکپارچه و در راستای حقوق بین‌الملل و همکاری با سازمان ملل متحد نقشی متفاوت‌تر از دیگر بازیگران، به خصوص ایالات متحده، در قبال مسأله فلسطین ایفا کند.

از آنجایی که مناقشه گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی بر سر چندین معضل اصلی امنیت، اختلاف سرزمینی و مرزی، آوارگان فلسطینی، شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در کرانه باختری و وضعیت بیت‌المقدس در جریان است، سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پرونده فلسطین نیز حول محورهای فوق سازمان یافته است.

چارچوب نظری

۱. راه‌های حل و فصل مناقشه

برای پاسخ به سوال اصلی این مقاله باید به شیوه‌های غلبه بر یک مناقشه توجه کرد. به طور کلی برای فایق آمدن بر مناقشه سه راه در پیش روی طرف‌های مناقشه وجود دارد که عبارتند از ۱- تصمیم قاطعانه: (determined) در این شیوه لزوماً یکی از طرف‌های مناقشه می‌برد و طرف دیگر خواهد باخت. ۲- توافق (settled): در این شیوه با دخالت طرف سوم نتیجه مورد توافق طرفین بدست می‌آید. ۳- حل و فصل (resolved): به منظور حل و فصل یک مناقشه طرفین به دنبال آن هستند تا مشکلات خود را از طریق یک راه حل منطقی و با کم‌ترین هزینه حل و فصل کنند به گونه‌ای که هر دو طرف مناقشه می‌برند و یا به عبارت بهتر هر دو طرف منفعت کسب می‌کنند. (Rynhold, 2009: 140-141) بر همین اساس اتحادیه اروپا به عنوان یک دولت خوشه‌ای سعی نموده است تا از طریق سیاست خارجی چند جانبه و همکاری با مجامع بین‌المللی به

حل و فصل مناقشه بین گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی یاری برساند.

۲. انواع دولت‌ها

در تحلیل سیاست خارجی براساس نظریات روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی تاریخی می‌توان به سه نوع دولت اشاره کرد. این سه گونه از دولت‌های مطلوب در ارزیابی سیاست خارجی عبارتند از: دولت نهادی، شبه دولت و دولت خوشه‌ای. به طور خلاصه باید گفت که منظور از دولت نهادی، دولتی است که خود مختاری خود را از موقعیت منحصر به فرد در پرداختن به مقتضیات تحمیلی ناشی از رقابت امنیتی بین‌المللی، انحصار بر ابزارهای خشونت، توانایی نظارت بر شهروندان و ساز و کار استخراجی نظیر نظام مالیاتی کسب می‌نماید. همچنین شبه دولت به طور خاص به دولت‌های جنوب اشاره دارد که در سرزمین‌های استعماری آفریقا، آسیا، پاسیفیک و کارائیب ظاهر شده‌اند. شبه دولت‌ها نظیر دولت‌های مستقل دارای استقلال حقوقی بوده و از سوی سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ جهان به عنوان کشورهای مستقل شناخته می‌شوند. با این حال در بسیاری از موارد نهادهای بخشیده شده به دولت سرزمینی مانند سازمان‌های قهریه، نهادهای سیاسی، نظام استخراج پول و ظرفیت نظارتی، نابسامان و ناقص هستند (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۹۱:۱۰۰).

اما دولت خوشه‌ای از اساس با دولت‌های نهادی و شبه دولت تفاوت دارد. دولت‌های خوشه‌ای به صورت داوطلبانه و هر چند به صورتی ناقص، حاکمیت و استفاده از نیروی سیاسی خود دست کم در حوزه سیاست خارجی را در سطح وسیعی از نهادهای سیاسی بین‌المللی مشترک ادغام نموده‌اند (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۹۶). بر همین اساس لفیی و برکاوی بر این باورند که ادغام تدریجی اقتدار و استفاده از نیروی سیاسی در تعداد زیادی از نهادهای یکپارچه سیاسی بین‌المللی، مرزهای خشونت در غرب را حذف و به منطقه صلح تبدیل نموده است (Barkawi and Laffey, 1999).

مفهوم دولت خوشه‌ای سه پیامد مهم برای تحلیل سیاست خارجی دارد. نخست آنکه بر نوع متفاوتی از روابط دولت-جامعه نسبت به دولت‌های نهادی و شبه دولت دلالت دارد. دقیقاً به این علت که حاکمیت و کنترل بر ابزار خشونت، توسط دولت‌ها به طور داوطلبانه واگذار شده، روابط

اجتماعی فراتر از مرزهای ملی نیز تسهیل شده است. این شرایط سبب می‌شود سیاست پیوستگی یعنی سلسله رفتارهای مکرر که در یک دولت شکل گرفته و به وسیله دیگران پاسخ داده می‌شود، به طور بالقوه به عاملی برجسته‌تر در تعیین سیاست خارجی مبدل می‌شوند. در کل ما شاهد سه گونه از سیاست پیوستگی خواهیم بود: (۱) پیوندهای واکنشی: این پیوندها زمانی اتفاق می‌افتند که رویدادهای یک جامعه منجر به واکنش‌های خودجوش در جوامع دیگر شود، در حالی که حکومت‌ها در شکل‌گیری آنها نقشی ندارند. (۲) پیوندهای تقلیدی: این پیوندها زمانی ظاهر می‌شوند که رویدادی در یک جامعه، به سرعت به وسیله شهروندان جوامع دیگر تقلید شود. (۳) پیوندهای نفوذ کننده: این پیوندها هنگامی رخ می‌دهند که بخشی از عناصر یک جامعه به طور عمد سعی در نفوذ، دستکاری و ورود به امور جامعه دیگر داشته باشند (Hill, 2003: 209).

دولت‌های خوشه‌ای که مشخصاتی از دولت‌های نهادی را از خود نشان می‌دهند، در ساختارهای جهانی و بین‌المللی نسبت به دولت‌های نهادی فعال‌تر هستند و استفاده متعارف از ابزارهای سیاست خارجی مدرن را با تمایلات شدید چند جانبه‌گرایی تلفیق می‌کنند. دقیقاً از آن جهت که این دولت‌ها به صورت داوطلبانه، هر چند به گونه‌ای ناقص، حاکمیت و اقتدار خود را در نظام سیاسی منطقه‌ای و گاه جهانی ادغام کرده‌اند، بیش‌تر از دولت‌های مدرن به سیاست خارجی چند جانبه‌گرایش دارند. این امر در چگونگی همکاری آنها با سایر دولت‌ها در زمینه‌های مختلف، استفاده مکرر از برخی نهادهای جهانی برای دستیابی به اهدافشان و حمایت آنها از حقوق بین‌الملل مشهود است. علی‌رغم تنش‌های مشاهده شده در چارچوب نظام اتحادیه اروپا، این سازمان نمونه اولیه‌ای از گرایش دولت‌های خوشه‌ای به سوی سیاست خارجی چند جانبه در راستای همکاری با نهادهای جهانی و رعایت حقوق بین‌الملل است (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

از میان همه سیاست‌های اتحادیه اروپا، همکاری در زمینه سیاست خارجی باعث شده تا کشورهای عضو با پیچیده‌ترین مشکل مواجه شوند. در دوران جنگ سرد و پس از آن، سیاست خارجی عرصه‌ای بوده که اتحادیه اروپا سعی کرده است تا با اتخاذ یک سیاست خارجی مشترک بر تصمیمات دیگر ابر قدرت‌ها تاثیر بگذارد (کریستیانسن، ۱۳۸۸: ۱۱۱۸). اتحادیه اروپا برای دستیابی

به اهداف خود دارای هفت رکن است که سه رکن آن از جمله شورای وزیران، کمیسیون و پارلمان از ارکان اصلی آن به شمار می‌روند. از میان این سه رکن، شورای وزیران عهده‌دار سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۰۶-۳۰۵). به منظور دستیابی به سیاست خارجی مشترک، از زمان پیمان ماستریخت به بعد مراحل سیاست خارجی و بازیگران دخیل در آن بدین شرح بوده است:

فرآیند سیاست گذاری در سیاست امنیتی و خارجی مشترک اروپا از زمان پیمان ماستریخت

بازیگران	مراحل سیاست‌گذاری
شورای اروپایی روسای دولتها	تعیین دستور کار
شورای اتحادیه اروپا و کمیسیون	تصمیم‌گیری
ریاست اتحادیه اروپا، نماینده عالی رتبه سیاست امنیتی و خارجی مشترک، نمایندگان اختصاصی	اجرای اقدامات مشترک
کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا در اغلب موارد	بودجه سیاست گذاری
شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون، کمیته امنیتی / سیاسی	ارزیابی اجرا
پارلمان اروپا و تا اندازه‌ای کمتر پارلمان‌های ملی	مشروعیت دموکراتیک

(Smith, 2004: 744)

طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی چند جانبه برای دولت‌های خوشه‌ای نظیر اتحادیه اروپا با دشواری‌های بسیاری روبروست. به طور مثال زمانی که اتحادیه اروپا با یک بحران بین‌المللی روبرو می‌شود برای دستیابی به وحدت در سیاست خارجی باید زمان نسبتاً طولانی را صرف کند. از سوی دیگر، هر چند اتحادیه اروپا خود را ملزم به چند جانبه‌گرایی در سیاست خارجی می‌داند اما قدرت‌های بزرگ دیگر الزاما و در همه مواقع با رویکرد چند جانبه‌گرایانه اتحادیه اروپا همراه نیستند.

موارد اختلافی اتحادیه اروپا و رژیم اسرائیل

۱-۱ روند سازش

اتحادیه اروپا از دولت‌سازی و نهاد‌سازی در فلسطین حمایت می‌کند زیرا این اتحادیه بر این باور است که ایجاد یک کشور فلسطینی دارای حاکمیت دموکراتیک، امن و صلح‌آمیز از طریق مذاکرات بهترین تضمین برای امنیت رژیم صهیونیستی و پذیرش رژیم صهیونیستی به عنوان یک شریک برابر در منطقه خاورمیانه می‌باشد. از همین رو در سند راهبردی امنیتی اروپا، حل و فصل مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی یک اولویت راهبردی توصیف شده است که بدون دستیابی به آن مشکلات دیگر خاورمیانه حل نخواهد شد (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۵۲).

مشارکت اروپایی‌ها در مذاکرات سازش میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی پدیده جدیدی نیست. از زمان مذاکرات اسلو که در سال ۱۹۹۳ آغاز شد، اتحادیه اروپا به عنوان یک اهداکننده بین‌المللی کمک‌های مالی به تشکیلات خودگردان فلسطینی عمل کرده است و به طور پیوسته حدود ۵۰ الی ۵۵ درصد بودجه تشکیلات خودگردان فلسطین را تامین کرده است. کمیسیون اروپایی و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا سالانه حدود ۱/۵ میلیارد دلار به تشکیلات خودگردان کمک می‌کنند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا و رژیم صهیونیستی روابط تجاری قوی با یکدیگر دارند به طوری که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ شریک تجاری اول رژیم صهیونیستی با حدود ۳۰ میلیارد دلار مبادله تجاری بود. اما برخلاف سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در رژیم صهیونیستی و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، این اتحادیه تاکنون نتوانسته است تا به حال نقشی فعالانه در فرآیند مذاکرات سازش ایفا کند. ناکامی اتحادیه اروپا در پیشبرد روند مذاکرات سازش ناشی از این واقعیت می‌شود که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا تنها بر روی یک موضوع کلی اتفاق نظر دارند: ضرورت پایان مناقشه بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی. از سوی دیگر منافع ملی و ملاحظات سیاسی داخلی دولت‌های عضو مانع از آن می‌شود که اتحادیه اروپا بتواند در قبال این مناقشه سیاست واحدی را اتخاذ نماید (Miller, 2011: 9). این امر نشان

می‌دهد که هر چند دولت‌های اروپایی حاکمیت و نیروی سیاسی خود را در یک نهاد سیاسی بالاتر ادغام کرده‌اند اما نتوانسته‌اند در برابر همه بحران‌ها و مناقشات بین‌المللی سیاست خارجی مشترکی را اتخاذ کنند.

همچنین دیمیتریس بوریس در کتاب خود با عنوان اتحادیه اروپا و سرزمین‌های فلسطین اشغالی گزارش مفصلی از نتایج سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی ارائه می‌دهد. وی استدلال می‌کند اگرچه این اتحادیه در این مورد به نتایج چشمگیری (از طریق کمک‌های مالی به تشکیلات خودگردان فلسطینی، انتخاب یک نماینده مخصوص برای فرآیند صلح و...) دست پیدا کرده است اما تاثیر اقدامات اتحادیه اروپا در این زمینه محدود و نامشهود بوده است. وی دو دلیل برای بی‌تاثیر بودن اقدامات اتحادیه اروپا در قبال این مناقشه ذکر می‌کند. نخست آنکه اتحادیه اروپا علی‌رغم ماهیت کاملاً سیاسی این مناقشه، برای دولت‌سازی در فلسطین یک رویکرد تکنوکراتیکی (فنی) اتخاذ کرده است. دوم آنکه اتحادیه اروپا برای پیگیری سیاست خارجی خود نیاز به اراده سیاسی تک‌تک دولت‌های عضو خود دارد، به عبارت دیگر اتحادیه اروپا در خصوص اتخاذ سیاست خارجی همواره با مشکل انسجام میان اعضای خود روبرو بوده است (Cebeci, 2015: 222).

نقش هنجاری اتحادیه اروپا در بسیاری از اختلافات بین‌المللی به اثبات رسیده و در حالی که مداخلات آمریکا مشروط است، اروپا رویکردی متفاوت‌تر از آمریکا در پیش گرفته است. در خصوص مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی، پس از آخرین حملات این رژیم، برخی اعضای اتحادیه اروپا در قراردادهای فروش تسلیحات خود تجدیدنظر نمودند تا به این واسطه انتقادات بین‌المللی را کاهش دهند. چندجانبه شدن مسأله صلح راه حل معضل نیست، اما تلاش برای چندجانبه‌گرایی طرف‌های درگیر را از بن بستی که رو به روی خود می‌بینند، بیرون می‌آورد. طرح و پیش‌نویسی که می‌تواند در این خصوص در نظر گرفته شود، می‌تواند طرح پیشنهادی فرانسه باشد که در اصل ابتکار رهبران فلسطینی بوده است که در حال حاضر آن را شدت بخشیده‌اند. این طرح باید دارای شرایط خاصی باشد: نخست آنکه آشکارا به اصول بین‌المللی مرتبط باشد که در

دهه‌های گذشته تصویب شده‌اند؛ دوم آنکه ابتکارات صلح فلسطین را به عنوان اساسی برای مذاکرات در نظر بگیرد؛ سوم آنکه محدودیت زمانی مشخصی برای مذاکرات تعیین نماید؛ سرانجام آنکه رئیس کلی میانجی‌گری بین‌الملل جدید را برای مذاکرات مشخص نماید (Huber and Kamel, 2015: 10-11).

۲-۱ مسأله بیت‌المقدس

با این وجود اتحادیه اروپا توانسته است درباره برخی از موضوعات جزئی مربوط به مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی موضع واحدی را اتخاذ کند. به طور مثال جایگاه و آینده اورشلیم (بیت‌المقدس) همواره به عنوان یک منبع تنش بین رژیم صهیونیستی و اتحادیه اروپا به حساب می‌آمده است. دولت‌های اروپایی هرگز اشغال بیت‌المقدس توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ را به رسمیت نشناخته‌اند و همواره به رژیم صهیونیستی هشدار داده‌اند که به طور یکجانبه نباید ساختار شهر اورشلیم را تغییر دهد. در واقع اتحادیه اروپا تشکیل دولت فلسطینی به پایتختی بیت‌المقدس را جز لاینفک فرآیند حل و فصل مناقشه میان گروه‌های فلسطین و رژیم صهیونیستی می‌داند. به همین دلیل دولت‌های عضو اتحادیه اروپا همواره درباره ساخت و ساز و گسترش محله‌های یهودی در بیت‌المقدس شرقی، بستن ادارات و نهادهای فلسطینی در بیت‌المقدس، ایجاد محدودیت در صدور جواز کار، تغییر در قوانین اجازه اقامت و از سال ۲۰۰۲ در خصوص ساخت مانع و دیوار در اطراف شهر بیت‌المقدس ابراز نگرانی کرده است (Pardo and Peters, 2010: 13). در همین رابطه سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تضاد با سیاست خارجی آمریکا که بازیگر اصلی در این مناقشه به شمار می‌آید، قرار می‌گیرد. هر چند هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق دولت اوباما، در سفر مارس ۲۰۰۹ خود به اسرائیل ضمن حمایت از تاسیس دولت فلسطینی، درباره شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی و تخریب منازل فلسطینی‌ها در بیت‌المقدس شرقی هشدار داده و یادآور شد که این اقدام برای روند صلح مفید نیست (ملکی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰، ۱۲۱)، اما این روند در دولت اوباما به سرعت متوقف شد به گونه‌ای که دولت اوباما از برقراری یک صلح موقتی (که شامل عقب‌نشینی شهرک‌نشینان از شهرک‌ها می‌شود) بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی اکراه

دارد به این دلیل که چنین گام‌های موقتی ممکن است به یک روند دائمی تبدیل شود و در این صورت از فشارهای آمده بر رژیم صهیونیستی کاسته می‌شود بدون آنکه تغییرات اساسی رخ دهد (Sachs, 2015: 80). در نتیجه آمریکا رویکرد متفاوتی در قبال بیت‌المقدس شرقی و شهرک‌ها در کرانه باختری اتخاذ کرده است، در صورتی که اتحادیه اروپا همچنان مصر است تا بیت‌المقدس پایتخت دولت فلسطینی باشد و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی به توقف شهرک‌سازی متعهد شود.

۳-۱ امنیت

در دو سال اخیر اتحادیه اروپا تلاش کرده است تا ثبات نسبی در وضعیت امنیتی بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها را حفظ کند. به طور مثال آتش بسی که بعد از جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه در آگوست ۲۰۱۴ برقرار شد اتحادیه اروپا سعی کرد تا برای بازسازی غزه کمک‌های مالی خود به این منطقه را افزایش دهد. اما تلاش‌های اتحادیه اروپا هرگز ریشه‌های ناامنی در سرزمین‌های فلسطینی نظیر غزه را از بین نبرده است. دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به این نکته پی برده‌اند که آنها می‌توانند نقش اساسی در بازسازی نهادهای فلسطینی به خصوص در کرانه باختری ایفا کنند. در همین راستا اتحادیه اروپا میلیون‌ها یورو به جنبش فتح کمک مالی کرده است تا تشکیلات خودگردان بتواند نهادهای دموکراتیک مستحکمی در کرانه باختری ایجاد کند. برنامه‌های اتحادیه اروپا در این زمینه با موفقیت روبه‌رو شد به گونه‌ای که سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که نهادهای فلسطینی برای تشکیل دولت فلسطینی آمادگی کامل دارند. در نهایت اتحادیه اروپا ترجیح می‌دهد تا از یک حکومت وحدت ملی که توسط جنبش فتح و حماس تشکیل شده باشد پشتیبانی کند (carnegieeurope, October 21, 2014).

نکته حائز اهمیت در آنجاست که برای اتحادیه اروپا تشکیل دولت فلسطینی نه تنها حقوق مشروع فلسطینی‌ها برای حق تعیین سرنوشت را برآورده می‌سازد بلکه اتحادیه اروپا تشکیل چنین دولتی را در راستای تامین امنیت رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی، انتقاد اروپایی‌ها از حصارهایی که توسط رژیم صهیونیستی در کرانه باختری ایجاد

شده‌اند را به حساب ضدیت آنها با رژیم صهیونیستی و عدم حساسیت آنها نسبت به امنیت این رژیم می‌گذارد (Pardo and Peters, 2010: 18-20). البته در سال‌های اخیر موضع اروپا در قبال مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی از سیاست حقوق محور به سیاست امنیت محور تغییر یافته است بدان معنا که اتحادیه اروپا از یک سو از امنیت رژیم صهیونیستی پشتیبانی کامل می‌کند و از سوی دیگر حق فلسطینی‌ها برای تعیین سرنوشت را مسلم و قطعی می‌پندارد (Peters, 2010: 511). این رویکرد در بیانیه‌ای که از سوی اتحادیه اروپا در اکتبر ۲۰۰۲ صادر شد کاملاً مشهود است:

نگرانی‌های امنیتی اسرائیل مشروع است، اما باید به آنها با احترام کامل به حقوق بشر و در چارچوب حکومت قانون پرداخته شود. اتحادیه اروپا از اسرائیل می‌خواهد تا فوراً به اقداماتی که با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در تضاد است، مانند کشتار فرا قانونی، پایان دهد و از اجرای تنبیهات دسته جمعی مانند تخریب خانه‌های فلسطینی‌ها خودداری کند، مقررات منع رفت و آمد را لغو کند و از اخراج اعضای خانواده (فلسطینی‌ها) خودداری کند. اتحادیه اروپا قویاً معتقد است که هیچ توجیهی برای اقدامات نظامی بی هدف علیه محله‌های غیر نظامی وجود ندارد. چنین اقداماتی عدم اعتماد و نفرت را تشدید می‌کند و تلاش‌ها برای دستیابی به راه حل سیاسی را با موانع بیشتری روبرو می‌سازد. همه فعالیت‌های شهرک‌سازی شامل شهرک‌سازی در داخل بیت‌المقدس شرقی و در اطراف آن باید فوراً متوقف شود. هیچ ارتباطی بین فعالیت‌های شهرک‌سازی و ضرورت‌های امنیتی اسرائیل وجود ندارد (European Union, 2002).

همان گونه که از بیانیه برداشت می‌شود اتحادیه اروپا به عنوان یک دولت خوشه‌ای با وجود توجه به امنیت رژیم صهیونیستی، نسبت به دولت‌های نهادی نظیر آمریکا اهمیت بسیار بیشتری به حقوق فلسطینی‌ها می‌دهد به گونه‌ای که کشتار فلسطینی‌ها از سوی رژیم صهیونیستی را بر نمی‌تابد. به باور کارشناسان زمان آن فرا رسیده است که اتحادیه اروپا و آمریکا به رژیم صهیونیستی

یادآوری کنند که امنیت بلند مدت، که غرب همواره به آن متعهد بوده است، به سیاست‌ها و اقدامات این رژیم بستگی دارد (Dessi, 2013: 79).

به رغم صدور بیانیه‌هایی از جانب اتحادیه اروپا در محکومیت اقدامات جنگ‌طلبانه رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین، این اتحادیه تاکنون نتوانسته است تا با اتخاذ یک سیاست خارجی منسجم اعضای دیگر گروه چهار جانبه صلح را وادار کند که برای جلوگیری از سیاست‌های جنگ‌طلبانه این رژیم دست به اقدام بزنند.

۴-۱ اختلافات مرزی و سرزمینی

اتحادیه اروپا حل و فصل مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی را در چارچوب بازگشت رژیم صهیونیستی به مرزهای سال ۱۹۶۷ ارزیابی می‌کند و یکی از شرایط دستیابی به صلح را تشکیل دولت فلسطینی براساس مرزهای سال ۱۹۶۷ می‌داند. در بیانیه‌ای که توسط شورای اتحادیه اروپا در اکتبر ۲۰۰۲ صادر شد بر این نکته به صراحت تاکید شده است: حل و فصل (این مناقشه) از طریق مذاکره و تنها از طریق مذاکره به دست می‌آید. هدف مذاکرات پایان دادن به اشغالگری و تاسیس یک دولت کارآمد، دموکراتیک و صلح جوی فلسطینی براساس مرزهای سال ۱۹۶۷ می‌باشد (Council of European Union, 2002: 35).

از سوی دیگر ساخت دیوار حائل توسط رژیم صهیونیستی انتقاد شدید مقامات اتحادیه اروپا را برانگیخته است. رژیم صهیونیستی ساخت دیوار حائل در کرانه باختری را به طور یکجانبه در واکنش به انتفاضه فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۰ شروع کرد با این بهانه که قصد دارد از حمله به شهروندان صهیونیست جلوگیری کند. در واقع رژیم صهیونیستی قصد داشت با ساخت این دیوار موج خشونت‌ها را متوقف کند و از گسترش قیام فلسطینی‌ها بکاهد. در حقیقت این اقدام رژیم صهیونیستی بر اساس منطق دوگانه امنیت/ جدایی می‌باشد به طوری که صهیونیست‌ها تصور می‌کنند جدایی برای رژیم صهیونیستی امنیت می‌آورد. علاوه بر این منطق، رژیم صهیونیستی بر پایه این دکترین که "دیوار خوب، همسایه خوب به وجود می‌آورد"، عمل می‌کند. این دکترین توسط

اسحاق رابین نخست وزیر اسبق این رژیم در اوایل دهه ۱۹۹۰ در میان صهیونیست‌ها رواج پیدا کرد (Busbridge, 2016: 5).

دیوار حائل که با احتساب قیاس مساحت کشور فلسطین، از دیوار چین هم بزرگتر است دارای بخش‌های مختلفی است که عبارتند از:

(۱) ستون‌های فلزی و سیم‌های خاردار

(۲) دیوار بتونی یا فلزی هشدار دهنده مجهز به حساسگرهای الکترونیکی

(۳) دوربین‌های تصویری و نظارتی

(۴) سگ‌های ردیاب

(۵) خندق و خاکریز

(۶) برج‌های دیده بان متعدد

(۷) نیروهای گشتی (ارتش، شبه نظامیان یگان مرزی) که به محض دریافت هشدار الکترونیکی، وارد عمل می‌شوند (دانشفر، ۱۳۹۳: ۹۸).

پس از تصمیم رژیم صهیونیستی برای گسترش دیوار حائل نمایندگان اتحادیه اروپا در بیت المقدس و رام الله به شدت نسبت به از سرگیری ساخت دیوار حائل در بیت لحم ابراز نگرانی کردند (خبرگزاری مهر، ۲۸ فروردین ۱۳۹۵).

همچنین اتحادیه اروپا نقش نظارتی را در خصوص مرزهای بین سرزمین‌های اشغالی و نوار غزه به عهده داشته است. کمیته ماموریت کمک مرزی اتحادیه اروپا که در ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۵ تشکیل شد به مدت ۱۲ ماه به کار خود ادامه داد. این کمیته وظیف داشت تا بر رفت و آمدها و امنیت در گذرگاه رفح نظارت داشته باشد (Pardo and Peters, 2010: 23).

البته در سال اخیر رژیم صهیونیستی بنا دارد که یک دیوار حائل نیز در نوار غزه احداث کند. منابع فلسطینی به نقل از روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت اعلام کردند، رژیم صهیونیستی قصد دارد دیواری بتونی در عمق دهها متری مرز نوار غزه بسازد. گفته شده است این دیوار در امتداد ۶۰ کیلومتری نوار غزه ساخته خواهد شد. وزارت امور نظامی رژیم صهیونیستی اعلام کرده

است که این طرح ۲/۲ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت (پرس تی وی، ۲۸ خرداد ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان گفت که اتحادیه اروپا همواره سیاست خارجی انتقادی خود نسبت به مسأله اشغالگری رژیم صهیونیستی و ساخت دیوار حائل توسط این رژیم را حفظ کرده است. در واقع دولت‌های عضو این اتحادیه سیاست اشغالگری و تبعیض‌آمیز رژیم صهیونیستی نسبت به فلسطینی‌ها را مانعی بزرگ بر سر حل و فصل این مناقشه می‌دانند.

۱-۵ شهرک‌سازی

دولت‌های اروپایی به خصوص فرانسه، انگلیس، اسپانیا، ایرلند و حتی آلمان به طور فزاینده‌ای به دلیل موضع انعطاف ناپذیر رژیم صهیونیستی در خصوص شهرک‌سازی ناامید شده‌اند و همواره به طور علنی و یا خصوصی عدم رضایت خود را از این روند به اطلاع مقامات رژیم صهیونیستی می‌رسانند. همچنین این حقیقت که تنها جمهوری چک به عنوان یک کشور اروپایی حاضر شد تا به نفع رژیم صهیونیستی علیه درخواست فلسطین برای کسب موقعیت دولت ناظر غیر عضو در سازمان ملل در نوامبر سال ۲۰۱۲ رای بدهد نشان از آن دارد که صبر اروپایی‌ها نسبت به این رژیم در حال تمام شدن است (Dessi, 2013: 80). اتحادیه اروپا در ژانویه ۲۰۱۶ به اتفاق آرا با صدور قطعنامه‌ای از روند شهرک‌سازی توسط رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی انتقاد کرد. البته دیپلمات‌های رژیم صهیونیستی تلاش زیادی کردند تا از صدور قطعنامه جلوگیری کنند اما در نهایت شکست خوردند. در بخشی از این قطعنامه آمده بود که: اتحادیه اروپا از نزدیک بر تحولات میدانی نظارت خواهد کرد و انجام اقدامات بیشتر به منظور حفاظت از راه حل دو دولت را در نظر خواهد داشت (Guardian, 18 January 2016).

در خصوص واکنش کشورهای اروپایی به شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی، شاهد گونه‌ای از سیاست پیوستگی هستیم که در بخش نظری توضیح داده شد. بر این اساس پیوندهای واکنشی و تقلیدی در قالب تحریم کالاهای ساخت شرکت‌های رژیم صهیونیستی در سطح جوامع اروپایی نسبت به شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در حال شکل‌گیری است.

همین روند سبب شد تا کمیته ملی تحریم فعالیت خود را در سال ۲۰۰۵ آغاز کند. این کمیته درصدد است تا کالاهای ساخت رژیم صهیونیستی را تحریم و بایکوت کند و شرکت‌ها و افراد اروپایی را تشویق کند تا سرمایه‌های خود را از قلمرو رژیم صهیونیستی خارج کنند (Palestinian BDS National Committee, 16 August 2016). مایکل دیس مدیر کمیته ملی تحریم اروپا درباره فعالیت‌های این کمیته می‌گوید:

این حرکتی مثبت است که در اروپا شکل گرفته است و کشورهای اروپایی تشخیص داده‌اند نباید از شهرک‌سازی‌های اسرائیل حمایت شود. در اینجا ما شاهد هماهنگ شدن گفته‌ها با عمل هستیم. این کار از ماه می ۲۰۱۱ شروع شد و در آن زمان کمیته امور خارجی اتحادیه اروپا توصیه‌هایی را درباره لزوم مشخص شدن کالاهایی مطرح کرد که از اراضی اشغال شده می‌آیند. فشار گروه‌هایی مانند کمیته ملی تحریم این آگاهی را به مصرف‌کنندگان داده است که بین کالاهایی که از اسرائیل به بازار می‌آیند با کالاهایی که از شهرک‌های غیرقانونی ارسال می‌شوند، تمایز قائل شوند. برای مثال امروز در فروشگاه‌های زنجیره‌ای تسکو در انگلیس ما شاهد مارک‌هایی هستیم که بر آن نوشته شده «ساخت شهرک‌های اسرائیلی». البته ما با مشکل دروغ‌گویی مسئولان بازرگانی اسرائیل نیز رو به رو هستیم که گاه تلاش می‌کنند منشا تولید این کالاها را پنهان کنند. هم‌اکنون به جز اعتماد کردن به کشورهای واردکننده کالا، سازوکاری برای اطمینان حاصل کردن از درستی برچسب روی کالاهای اسرائیلی وجود ندارد. این راهکار که در کشورهای اروپایی شکل گرفته است، تا حد زیادی متاثر از مطرح شدن راه حل مبتنی بر دو کشور مستقل است و اینکه اسرائیل به رغم مطرح شدن این راهکار همچنان به توسعه شهرک‌سازی‌ها در اراضی اشغال شده ادامه می‌دهد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲).

آغاز فعالیت این کمیته نشان می‌دهد که جوامع عضو اتحادیه اروپا توانسته‌اند با اتخاذ یک

رویکرد منسجم به شهرک‌سازی این رژیم پاسخ دهند. در صورت استمرار این روند می‌توان امیدوار بود که اتحادیه اروپا بتواند با اتخاذ سیاست خارجی یکپارچه و هماهنگ با شهرک‌سازی این رژیم مقابله کند. این امر منوط به تصمیم‌گیری روسای دولت‌های عضو شورای اتحادیه اروپایی است که این موضوع را در دستور کار خود قرار دهند.

در وضعیت کنونی مردم و رهبران فلسطینی بر این باورند که فرصت فوق‌العاده‌ای نصیب آنها شده است چرا که از یک طرف ممکن است اتحادیه اروپا تصمیم بگیرد که به کالاهای ساخته شده در شهرک‌های صهیونیستی برچسب بزند و از سوی دیگر این امکان وجود دارد که پارلمان کشورهای اروپایی دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسند. به همین دلیل رهبران فلسطینی پشتیبانی دیپلماتیک از خود را به طور ملموسی حس می‌کنند (Foreign Affairs, June 2, 2016).

۱-۶ مسأله آوارگان

یکی از مهم‌ترین ارکان مناقشه بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی، مسأله آوارگان فلسطینی است که همواره جز خطوط قرمز مذاکره‌کنندگان فلسطینی محسوب می‌شده است. اما در پیمان صلح اسلو که راه حل دو دولت فلسطینی و صهیونیستی را پیشنهاد می‌دهد مسأله بازگشت آوارگان را نادیده گرفته است (Farah, 2006: 228). با این وجود مسأله آوارگان فلسطینی یکی از موضوعات مورد علاقه اتحادیه اروپا بوده است. کشورهای اروپایی از ابتدا بزرگترین کمک‌کننده به برنامه‌های کارگزاری امداد و کاریابی سازمان ملل در امور آوارگان فلسطینی بوده‌اند و پس از آن نیز به ایفای نقش رسمی در گروه‌های پنج‌گانه کاری مربوط به روند مادرید پرداختند که یکی از این کمیته‌ها مسائل آوارگان را دنبال می‌کرد. همچنین در بیشتر بیانیه‌های صادر شده از سوی اتحادیه اروپا بر حل و فصل این معضل و حق بازگشت آوارگان در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل تأکید شده است. هر چند موضع کلی اتحادیه اروپا، بازگشت آوارگان به سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ می‌باشد اما کشورهای اروپایی معتقد هستند معضل آوارگان موضوعی بسیار مهم است که باید به شیوه‌ای عادلانه و پایدار در چارچوب مذاکرات و توافقات "وضعیت نهایی" میان طرفین حل و فصل

شود (آقا علیخانی، ۱۳۸۹: ۹۷).

بدیهی است که اتحادیه اروپا توانسته است در قبال مسأله آوارگان فلسطینی سیاست چندجانبه گرایانه و منسجمی را اتخاذ کند. در واقع اتحادیه اروپا به عنوان یک دولت خوشه‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل با سازمان ملل متحد برای رسیدگی به وضعیت آوارگان فلسطینی همکاری می‌کند.

موارد اختلافی اتحادیه اروپا و گروه‌های فلسطینی

۱-۲ تروریسم

به طور کلی می‌توان تروریسم را به معنای تهدید یا کاربرد خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی دانست. بدیهی است که تعریف چستی تروریسم برخاسته از انگیزه‌های سیاسی است. در حقیقت آنکه از دید یک نفر رزمنده آزادی است از دید دیگری یک تروریست به حساب می‌آید (مونه و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲۵). بر همین مبنا اتحادیه اروپا با نگرشی جانبدارانه گروه‌های مبارز فلسطینی نظیر حماس را تروریست به شمار می‌آورد و از سوی دیگر اعمال تروریستی رژیم صهیونیستی علیه مبارزان فلسطینی ساکن کرانه باختری و به ویژه نوار غزه را نادیده می‌گیرد.

شاخه نظامی حماس در دسامبر سال ۲۰۰۱ و شاخه سیاسی حماس در سال ۲۰۰۳ به لیست گروه‌های حامی تروریسم اتحادیه اروپا اضافه شدند. اما در سال ۲۰۱۴ دادگاهی از اتحادیه اروپا درخواست کرد تا حماس را از فهرست گروه‌های حامی تروریسم خارج کند. با این وجود اتحادیه اروپا در نهایت اعلام کرد که گروه حماس را از فهرست گروه‌های تروریستی خارج نخواهد کرد. در چنین شرایطی "سامی ابوزهری" سخنگوی حماس اصرار اتحادیه اروپا برای نگه داشتن نام حماس در فهرست سازمان‌های تروریستی را اقدامی غیراخلاقی و نشان دهنده جانبداری این نهاد از اشغالگری رژیم صهیونیستی دانست (ایرنا، ۲۹ دی ۱۳۹۳).

۲-۲ سلاح مقاومت

با وجود اثبات اشغالگری و جنایات رژیم صهیونیستی، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نظیر آلمان

همواره خود را نسبت به تامین تسلیحات مورد نیاز رژیم صهیونیستی متعهد می‌دانند. به طور مثال آلمان قراردادی را جهت فروش زیردریایی با رژیم صهیونیستی به امضا رسانده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۱ شهریور ۱۳۹۱). اما از طرف دیگر اتحادیه اروپا همواره از گروه‌های مبارز فلسطینی درخواست می‌کند تا خود را خلع سلاح کنند. این در حالی است که جنگ‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ رژیم صهیونیستی با گروه‌های فلسطینی در نوار غزه این موضوع را ثابت کرده است که خلع سلاح فلسطین راه گشای مسأله فلسطین نخواهد بود چرا که مسأله فلسطین تنها با پایان اشغالگری و بازگشت همه آوارگان به سرزمین فلسطین میسر خواهد بود.

چنین رویکردی از سوی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که اروپایی‌ها دیدگاه منصفانه‌ای نسبت به فلسطینی‌ها ندارند چرا که با وجود حملات گسترده رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها، آنها حتی حاضر نیستند که گروه‌های فلسطینی توانایی مقاومت در برابر این گونه حملات را داشته باشند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی از انوان تسلیحات نظامی پیشرفته بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری

با شروع اشغال سرزمین فلسطین از سوی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، منطقه خاورمیانه همواره در معرض خطر درگیری نظامی قرار داشته است. در این میان کشورهای اروپایی را می‌توان جز اولین مقصران این وضعیت به حساب آورد چرا که نقشی انکارناپذیر در تشکیل رژیم صهیونیستی داشته‌اند. در واقع رفتار گذشته آنها نسبت به یهودیان بهانه و توجیه لازم را به صهیونیست‌ها داد تا با طرح ادعاهای واهی سرزمین فلسطین را اشغال کنند.

در همین حال سال‌هاست که کشورهای اروپایی و آمریکا با طرح ابتکارات گوناگون به دنبال حل و فصل مناقشه میان گروه‌های فلسطینی و رژیم صهیونیستی هستند. در این میان اتحادیه اروپا به عنوان یک دولت خوشه‌ای که دولت‌های عضو آن حاکمیت خود را در نهاد سیاسی بالاتر ادغام کرده‌اند در تلاش هستند تا با اتخاذ یک سیاست خارجی چند جانبه‌گرا و در راستای حقوق بین‌الملل این مناقشه را حل و فصل کند.

با توجه به اینکه مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی دارای چندین رکن اختلافی شامل مسأله امنیت، اختلاف سرزمینی و مرزی، مسأله آوارگان، شهرک‌سازی و وضعیت بیت‌المقدس است، دستیابی به هر راه حلی منوط به رفع این اختلافات است. برای پاسخ به سوال اصلی باید به رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به این اختلافات توجه کرد. در واقع اگر اتحادیه اروپا با اتخاذ یک سیاست خارجی هماهنگ و یکپارچه بتواند در همه این موارد به حقوق فلسطینی‌ها اعم از جنبش فتح و فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری و نیز جنبش حماس و فلسطینی‌های ساکن نوار غزه توجه کند، می‌توان امیدوار بود که این اتحادیه بتواند رویکرد منصفانه‌تری در برابر سرزمین فلسطین در پیش بگیرد. به طور کلی اگر اتحادیه اروپا سیاست خارجی منسجم و یکپارچه و همراستا با حقوق بین‌الملل اتخاذ کند می‌تواند نقشی متفاوت‌تر از دیگر بازیگران، به خصوص ایالات متحده، در قبال مسأله فلسطین ایفا کند. با این وجود اتحادیه اروپا در خصوص دو موضوع اساسی تروریسم و خلع سلاح با گروه‌های مقاومت فلسطینی اختلاف نظر شدید دارد. این اتحادیه با نادیده گرفتن ترورهای رژیم صهیونیستی، عملیات‌های جهادی گروه‌های فلسطینی را محکوم می‌کند و چنین گروه‌هایی نظیر حماس را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد. از سویی دیگر اتحادیه اروپا خواستار خلع سلاح گروه‌های مقاومت فلسطینی می‌شود در حالی که برخی از اعضای آن اتحادیه قرار دادهای تسلیحاتی با رژیم صهیونیستی به امضا می‌رسانند.

با این وجود اتحادیه اروپا در برخی از این موارد موضع هماهنگ‌تری را اتخاذ کرده است و در برخی از موارد فقط به صدور بیانیه اکتفا کرده و در عمل نتوانسته است که از حقوق فلسطینی‌ها دفاع لازم را به عمل بیاورد. خلاصه آنکه در نتیجه این پژوهش کوتاه، سیاست خارجی اتحادیه اروپا در خصوص موارد اختلافی اتحادیه اروپا با رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی در جدول زیر ارائه می‌شود:

موارد اختلافی اتحادیه اروپا با رژیم صهیونیستی

موضع اتحادیه اروپا	ارکان اختلافی
اصرار بر تشکیل دولت فلسطینی با پایتختی بیت المقدس، انتقاد از عملکرد رژیم صهیونیستی در بیت المقدس نظیر گسترش محله‌های یهودی در این شهر	وضعیت بیت المقدس
توجه به امنیت فلسطین و رژیم صهیونیستی / انتقاد از اقدامات نظامی و جنگ طلبانه رژیم صهیونیستی علیه شهروندان غیر نظامی	مسأله امنیت
کوشش برای حل و فصل مسأله آوارگان در چارچوب حقوق بین الملل و با همکاری سازمان ملل متحد	مسأله آوارگان
انتقاد شدید از شهرک سازی / تشکیل کمیته ملی تحریم در جوامع اروپایی	شهرک سازی
صدور بیانیه انتقادی	اختلاف سرزمینی و مرزی

موارد اختلافی اتحادیه اروپا با گروه‌های فلسطینی

موضع اتحادیه اروپا	ارکان اختلافی
گنجاندن نام حماس در فهرست گروه‌های تروریستی / نادیده گرفتن ترورهای رژیم صهیونیستی	تعریف تروریسم
خواستار خلع سلاح گروه‌های مبارز فلسطینی از جمله حماس / کمک تسلیحاتی برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به رژیم صهیونیستی	سلاح مقاومت

منابع

الف- فارسی

- آران، امون، آلدن، کریس (۱۳۹۳)، رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی، ترجمه: نیاکویی، سید امیر، زیبایی، مهدی، درویشی زانوس، رضا، تهران: میزان.
- آقا علیخانی، مهدی (پاییز ۱۳۸۹)، "سیاست‌های اتحادیه اروپا در روند صلح خاورمیانه"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره دوازدهم.

- ایرنا (۱۳۹۳)، "حماس: پافشاری اتحادیه اروپا بر تروریست نامیدن این جنبش، غیراخلاقی است"، دسترسی در:

<http://www.irna.ir/fa/News/81470667>

- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۲)، "حضور نیمی از کشورهای اروپایی در طرح تحریم کالاهای اسرائیلی"، دسترسی در:

<http://www.yjc.ir/fa/news/4380551>

- پرس تی وی (۱۳۹۵)، "تصمیم اسرائیل برای ساخت دیوار حائل زیرزمینی در مرز غزه"، دسترسی در:

<http://www.presstv.ir/DetailFa/2016/06/17/470850/Israel-Gaza-wall-tunnel>

- خالوزاده، سعید (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)، "اتحادیه اروپا و روند صلح اعراب و اسرائیل"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۸۲-۱۵۱.

- خبرگزاری مهر (۱۳۹۵)، "اتحادیه اروپا ساخت دیوار حائل در کرانه باختری را محکوم کرد"، دسترسی در:

<http://www.mehrnews.com/news/3599459>

- دانشفر، بهزاد (بهار ۱۳۹۳)، "بررسی آثار ساخت دیوار حایل بر تشکیل کشور فلسطین"، مطالعات فلسطین، شماره ۲۴، صص ۱۰۸-۸۹.

- دنیای اقتصاد (۱۳۹۱)، "اسرائیل به دنبال حق اظهارنظر در صادرات تسلیحات آلمان"، دسترسی در:

<http://donya-e-eqtasad.com/news/680457>

- کریستیانسن، توماس (۱۳۸۸)، در بلیس، جان، اسمیت، استیو، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه: راه چمنی، ابوالقاسم و دیگران، تهران: ابرار معاصر.

- ملکی، محمدرضا، محمد زاده ابراهیمی، فرزاد (پاییز ۱۳۸۹)، "روابط ویژه ایالات متحده - اسرائیل و سیاست خاورمیانه ای دولت باراک اوباما"، روابط خارجی، شماره ۷.

- موسی زاده، رضا (۱۳۸۸)، سازمان های بین المللی، تهران: میزان.

- مونه، آنابله و دیگران (۱۳۹۴)، دانشنامه جهانی شدن، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: امیر کبیر.

ب- انگلیسی

- Barkawi, Tarak, Laffey, Mark (1999), "Imperial Peace: Democracy, Force and Globalization", *European Journal of International Relations*, December, vol. 5 no. 4 403-434.
- BDS National Committee (BNC) (2016), "Palestinian BDS National Committee", in: <https://bdsmovement.net/bnc>.
- Beaumont, Peter, Rankin, Jennifer (2016), "EU adopts resolution criticising Israeli settlement activity", in: <https://www.theguardian.com/world/2016/jan/18/eu-adopts-resolution-criticising-israeli-settlement-activity-occupied-palestinian-territories>.
- Cebeci, Münevver (2015) "The European Union and Occupied Palestinian Territories: state-building without a state", *Global Affairs*, 1:2, 221-223.
- Council of the European Union (2002), "Seville European Council 21 and 22 June Presidency Conclusions", Council of the European Union 2002, in: www.consilium.europa.eu/ueDocs/cms_Data/docs/pressData/en/ec/72638.pdf.
- Declaration of the European Union (200), "Third Meeting of the Association Council EU-Israel," *European Union* 21 October 2002, in www.consilium.europa.eu/ueDocs/cms_Data/docs/pressData/en/er/72832.pdf.
- Dessì, Andrea (2013), "Israel and the Palestinians in a Changing Neighbourhood", *the International Spectator: Italian Journal of International Affairs*, 48:2, 77-95.
- Farah, Randa (2006), "PALESTINIAN REFUGEES", *Interventions: International Journal of Postcolonial Studies*, 8:2, 228-252.

- Hill, Christopher (2003), *the Changing Politics of Foreign Policy*, Basingstoke: Palgrave.
- Huber, Daniela, Kamel, Lorenzo (2015), "the Multilateralisation of the Israeli-Palestinian Conflict: A Call for an EU Initiative", Istituto Affari Internazionali (IAI), IAI Working papers 15 | 02, January.
- Miller, Roy (2011), "Europe's Palestine Problem Making Sure the EU Matters to Middle East Peace", *Foreign Affairs*, Volume 90, Number 5.
- Pardo, Sharon, Peters, Joel (2010), *Uneasy Neighbors Israel and the European Union*, New York: Lexington Books.
- Peters, Joel (2010) "Europe and the Israel-Palestinian peace process: the urgency of now", *European Security*, 19:3, 511-529.
- Rachel Busbridge (2016), "The wall has feet but so do we: Palestinian workers in Israel and the 'separation' wall", *British Journal of Middle Eastern Studies*.
- Rumley, Grant (2016), "The Palestinian Pathway to Paris", In: <https://www.foreignaffairs.com/articles/israel/2016-06-02/palestinian-pathway-paris>
- Rynhold, Jonathan (2009) *The US and the Arab Israel peace process: conflict management versus conflict resolution*, Gilboa.E. Inbar.E. (Ed), *US-Israel Relations in a New Era*, Oxon: Routledge.
- Sachs, Natan (2015), "Why Israel Waits Anti – Solutionism as a Strategy", *Foreign Affairs*, November/December, and pp: 74-82.
- Slater, Jerome (Fall 2015), "Terrorism and the Israeli-Palestinian Conflict", *Middle East Policy*, Vol. XXII, No. 3.
- Smith, Michael (2004), "Toward a theory of EU foreign policy-making: multi-level governance, domestic politics, and national adaptation to

Europe's common foreign and security policy", Journal of European Public Policy, 11:4,740-758.

- Youngs, Richard (2014), "The EU and the Israeli-Palestinian Conflict: Action without a Script", in <http://carnegieeurope.eu/publications/?fa=56979>.